

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا



مقدّم

قرآن از منظر

چند آیه

۶۵ بار فقط با نام قرآن در قرآن آمده است.

شفاء ، رحمت ، فرقان ، برهان ، نور ، کتاب ، موعظه ، هدی ، بشری ،

بیان ، تبیان ، بینات ، بصائر ، تنزیل ، ذکر ، حکم ، آیات ، وحی ،

صحف ، بلاغ ، بشری ، مصدق ، حق ، قول ثقیل ، و

وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ

مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

(فصلت / ۴۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ

هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

گاهی از نزول خود در ماه رمضان و شب قدر سخن می گوید،
گاهی از وجوه اعجاز خود سخن گفته و جن و انس را به همآورد طلبی دعوت می کند،
گاهی از آداب قرائت خود می گوید، « فاستمعوا له ، فاستعذ بالله، ورتل القرآن ترتیلا و ...
گاهی از عدم تدبر و مهجور شدنش توسط امت گلایه می کند،
گاهی از تأثیر تلاوتش در قلوب مؤمنین سخن به میان می آورد،
گاهی از بشیر و نذیر و مجید و مبین و مبارک و کریم و عظیم و حکیم بودنش می گوید،
گاهی از نزول خود برای جهانیان صحبت می کند،
گاهی از احسن القصص ها و ضرب المثل های بی بدیش می گوید ،
گاهی از قول ثقیل بودنش و در عین حال آسان بیان شدنش برای تذکر بندگان می گوید،
گاهی سوره هایش را با حروف مقطعه شروع کرده و بلافاصله از عظمت خود میگوید.
گاهی به عربی بودن خود اشاره می کند و تعقل می طلبد. « حد اقل یازده آیه »
گاهی خبر از آینده داده و تمام مستضعفین جهان را به ظهور منجی امیدوار می نماید.
و

و در یک کلام؛

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ

خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ

الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

(حشر / ۲۱)

قرآن از منظر

چند روایت

آيا قرآن
بهترین کتاب
نیست؟

عَيْشَ السُّعْدَاءِ

وَمَوْتَ الشُّهَدَاءِ

وَالنَّجَاءَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ

إِنْ أَرَدْتُمْ

وَالظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ

كَلَامُ الرَّحْمَنِ

وَالْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ،

وَحِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ

فَاذْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ

وَرُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ

الْحَبْلُ
الْمَتِينُ

وَالنُّورُ
الْمُبِينُ

وَالشِّفَاءُ
النَّافِعُ

وَالرِّىُّ
النَّافِعُ

وَالنَّجَاهُ
لِلْمُتَعَلِّقِ؛

وَالْعِصْمَةُ
لِلْمُتَمَسِّكِ

عَلَيْكُمْ
بكِتَابِ
اللَّهِ، فَإِنَّهُ

على ابن ابیطالب
عليهما السلام
فرمودند؛

تمسک کنید به
کتاب خداوند، زیرا
این کتاب **طنابی**
است محکم و **نوری**
است آشکار و **شفایی**
است سودمند، و
چشمه ای است
سیراب کننده،
نگهبانی است برای
کسی که به او
تمسک جوید و **نجات**
برای کسی است که
به آن درآویزد.

وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ

النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغُشُّ

وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ

وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ

وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ

زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِنْ عَمًى

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ

وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنًى ...

دعوت امام زمان به قرآن

يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ
نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ الْبَرَآءَةُ مِنْ عَدُوِّهِ

روایت از رسول الله؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۵۲ باب ۳۴۳ باب ۲۷
سیره و أخلاقه و عدد أصحابه و خصائص زمانه و أحول أصحابه صلوات الله عليه و على آبائه

محتوای غنی قرآن

و مکتب امام باقر

(علیه السلام)

شَرْقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا

شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

آب در کوزه و
ما تشه لبان
می گردیم.

اگر به شرق و غرب عالم هم بروید، هرگز به علم صحیح و درستی [در
دین] دست نمی یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمد بیرون می آید.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) لِسَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ
اصول کافی ج ۱ / ص ۳۹۹

از عجایب قرآن ؛

و إذا ضربت بعض الأرقام التي ذكرناها من الاحتمالات في البعض الآخر، ارتقى الاحتمالات إلى كمية عجيبة و هي ما يقرب من ألف ألف و مائتين و ستين ألف احتمال! و هذا لعمر الله من عجائب نظم القرآن تتردد الآية بين مذاهب و احتمالات تدهش العقول و تحير الألباب، و الكلام بعد متك على أريكه حسنه متجمل في أجمل جماله متحل بحلى بلاغته و فصاحته و سيمر بك نظيره هذه الآية و هي قوله تعالى: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً» هود- ١٧. الميزان في تفسير القرآن، ج ١، ص: ٢٣٤

علامه طباطبائی در تفسیر آیه مبارکه ١٠٢ از سوره بقره می فرماید؛ اگر احتمالاتها و اختلافهای را که ذکر کردیم در یکدیگر ضرب کنیم، حاصل ضرب سر از عددی سرسام آور در می آورد، و آن یک میلیون و دویست و شصت هزار احتمال است. و بخدا سوگند این مطلب از عجائب نظم قرآن است، که یک آیه اش با مذاهب و احتمالاتی می سازد، که عددش حیرت انگیز و محیر العقول است، و در عین حال کلام هم چنان بر حسن و زیبایی خود متکی است، و به زیباترین حُسنی آراسته است، و خدشهای بر فصاحت و بلاغتش وارد نمیشود، و انشاء الله نظیر این حرف در تفسیر آیه: **(أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ يَتْنِهِ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ، وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَ رَحْمَةً)** از نظر خواننده خواهد گذشت.

علامه جوادی آملی حفظه الله در تفسیر تسنیم به نقل از تفسیر بیان السعاده آورده است که؛ برای پنج آیه ی اول سوره مبارکه بقره بیش از یازده میلیارد و چهارصد هشتاد و چهار میلیارد و دویست و پنج میلیون و هفتصد و هفتاد هزار و دویست و چهل احتمال معنایی، صرفی، نحوی و بلاغی دارد.

إِسْمَ

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ
إِنِّي قَوْمِي
اتَّخَذُوا هَذَا
الْقُرْآنَ
مَهْجُورًا

(فرقان / ٣٠)

مسئولیت
نظیر و سنگین
مربیان

چند سؤال

- مسئول دینداری مردم کیست؟
- مسئول تربیت نسل نو چه کسانی هستند؟
- اولین وظیفه ی یک مربی تربیتی چیست؟
- اگر مسئول دینداری و تربیت، وظیفه اش را خوب انجام ندهد چه اتفاقی می افتد؟
- آیا به اندازه فعالیت باطل دشمنان تلاش کرده ایم؟

ارزش کار مربیان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ؛
لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنْ مَشَارِقِهَا إِلَى مَغَارِبِهَا

اگر خداوند بوسیله تو بنده ای از بندگان را هدایت نماید، این در نزد پروردگار، بهتر است برای تو از هر چه آفتاب بر وی تابیده است از مشرق تا به مغرب.

• مصباح الشریعة-ترجمه مصطفوی ص ۴۵۱ بحار الأنوار ج ۱ ص ۲۱۶ باب ۶ العلوم التي أمر الناس بتحصيلها و ينفعهم
امام سجاد علیه السلام فرمود:

خدای تعالی به موسی علیه السلام وحی کرد: مرا محبوب مردم، و مردم را محبوب من گردان، موسی علیه السلام گفت: خدایا چگونه چنین کنم؟
گفت: بخششها و نعمتهایم را به یادشان آور تا مرا دوست بدارند، **اگر بنده فراری از درگاهم و گمراهی از آستانه‌ام را برگردانی، برایت از عبادت یک صد سال که روزها را روزه باشی و شبهایش را به نماز گذرانده باشی بهتر است.**

الجواهر السنية - کلیات حدیث قدسی ۱۵۷ الباب السابع فیما ورد فی شأن موسی علیه السلام

شروع از خود (هرچه می گوئی در عملت دیده شود)

اخلاص

حسن ظن

ثبات در اصول و مماشاء در فروع

نفوذ از دریچه نیاز

جهل زدائی

الگو دهی

تغافل

تکریم

مربی

اصول
گار
قبایلی

گزاره ی تربیتی

تناسب

تدریج و تسهیل

اختصار و زیبائی

تداوم تا عادت شود

متربی

توجه

تفکر

عمل

۱- زبانی

(داستان ، خاطره ، شعر ، تمثیل، آمار و...)

الف) علی قدر عقول

ب) به لسان قوم

۲- عملی

مراتب
دعوت

الف) اشتهای آوری باشد (زیبا و هنرمندانه باشد)

ب) افتخار آوری باشد (علمی و مستدل باشد)

ج) جهادی باشد (با مال ، جان ، آبرو)

روش

دستبندی

علی
زارعی

تعریف؛

دستبندی، مهارت و روشی است برای نظم و انجام بخشیدن به مفاهیم

و موضوعات، بایدف آسان سازی دسترسی، حفظ و انتقال مفاهیم و

موضوعات و تأثیر بیشتر بر مخاطب.



برخی از فوائد روش دسته بندی

- (۱) نظم و زیبایی
- (۲) جذابیت و ماندگاری
- (۳) سهولت در دسترسی ، حفظ و نقل
- (۴) مشخص شدن محدوده و جایگاه موضوع دسته بندی شده
- (۵) مانع از پراکنده گوئی
- (۶) بیانگر تسلط گوینده بر بحث
- (۷) انتقال بیشترین محتوا در کمترین زمان.

دستور العمل؛

٢. شناسائی نیاز یا مشکل خود، جامعه یا مخاطب

٣. ارجاع به قرآن و روایات

شیوه ارجاع؛

٤. جمع آوری موضوعی آیات مربوطه

٣. گزینش بر اساس نیاز

٣. توجه به قواعد مهارتی و هدایتی

٥. دسته بندی و ارائه

۱. مفاهیم سوره ها
۲. موضوعات
۳. اجمال و تفصیل
۴. مفردات قرآن
۵. مراتب
۶. الفاظ هم آوا
۷. اسم تفضیل ها
۸. ضرب المثلها
۹. مثلهای قرآنی
۱۰. تضاد و تقابل
۱۱. ربط آیات
۱۲. توصیفات
۱۳. تکرار ها
۱۴. شرط ها
۱۵. تشخیص ابعاد یک موضوع
۱۶. بیان جزء به جزء یک چیز
۱۷. مقایسه
۱۸. نمایش
۱۹. اعداد
۲۰. اشکال

- سوگند ها،
- قواعد نحو، (تکرار در سیاق نفی و مفهوم جملات ...)
- گروه ها،
- معیت ،
- مجادلات ، معاملات ، مقولات. مناظرات
- (حدید / ۱۳، ۱۴ / بقره ۲۵۸)
- لطائف، (نساء / ۱۳۸ و ۱۳۶ و یوسف / ۱۰۶ و توبه / ۳ و دخان / ۴۹ و اعراف / ۴۰ و ...)
- سوالات و شبهات،
- مصداق یابی، (اف ان یاکله الذئب)
- و ...

• ۱. مفاهیم سوره ها

.



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

موضوعات ؛

اصلی ؛ ارتباط با خدا

فرعی ؛ حمد و ثنا ، عبادت و استعانت خالصانه ، طلب هدایت

اشارات و پیا مها ؛

توحید (حد اقل در ۱۲ جا) ، معاد و نبوت.

توسّل به رحمت و رحیمیت خدا

اقرار به ربّ بودن خدا و عبد بودن ما

اذعان به قبول معاد

سه گروه بودن مردم؛ هدایت یافتگان، مغضوبین، گمراهان.

طریقه به روز نمودن ؛ با مصداق یابی کلی و شناخت شبهات و محل صدورشان و پاسخ دقیق به آنها .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (أنبياء / ٥٢)

موضوعات ؛

اصلى ؛ دعوت به توحيد

فرعى ؛

اشارات و پيامها ؛

أمر به معروف و نهى از منكر، سن و سال نمى شناسد.

تعداد لازم ندارد . كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره / ٢٤٩)

از خودى ها بايد شروع شود.

دعوت با سؤال

دعوت به اصول

اهميت موضوع و محبوبيت عمل حضرت ابراهيم.

طريقه به روز نمودن ؛

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان : ۳۰)

موضوعات ؛

اصلی ؛ مهجوریت قرآن
فرعی ؛

اشارات و پیا مها ؛

شکایت از قوم در قیامت قطعی است. (قال، إِنَّ، کلام خدا)

شاکی رحمه للعالمین است.

شکایت در محضر خداست .

شکایت از قوم خود است .

اتخذوا یعنی با علم و عمد.

مهجورا نه متروکاً. (وَ الرَّجْزَ فَاهْجُرْ)

قال ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال أنا خير منه خلقتني من نارٍ و خلقتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾

(أعراف : ١٢)

موضوعات ؛

اصلی ؛

فرعی ؛

اشارات و پیا مها ؛

- ۱- قبل از صدور حکم، محاکمه و بازپرسی لازم است. «قال ما منعك»
- ۲- شیطان، پایه گذار نافرمانی و گناه است. ما منعك ... إذ أمرتك چون اولین نافرمانی توسط او صورت گرفت.
- ۳- عقاب بدون بیان قبیح است و تا حکمی و مطلبی بیان نشده، بازخواست و مجازات نمی توان کرد. قال ما منعك ... إذ أمرتك
- ۴- شیطان در برابر خدا ایستاد، نه در برابر حضرت آدم. «إذ أمرتك» چنانکه در آیهی دیگر می خوانیم: «فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»
- ۵- شیطان نیز همچون انسان دارای تکلیف و اختیار است. ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك قال ...
- ۶- میزان، اطاعت امر خداست. سن و نژاد و سابقه و ... هیچ کدام معیار نیست. إذ أمرتك قال أنا خير ...
- ۷- در قضاوت، به مجرمان نیز فرصت اظهار نظر بدهیم. «قال أنا خير منه»
- ۸- نادیده گرفتن جنبه ی ملکوتی انسان و تنها چشم دوختن به جسم او که مرام و مسلک مادیون می باشد، شیطان صفتی است. «قال أنا خير منه»
- ۹- خودبرتربینی می تواند مخلوق را به جبهه گیری در مقابل خالق وادار کند. «أنا خير منه»
- ۱۰- قبول خالقیت خدا به تنهایی کافی نیست، اطاعت و تسلیم هم لازم است. خلقتنی ... خلقتَهُ شیطان، خالقیت خدا را پذیرفته بود، ولی از او اطاعت نکرد.
- ۱۱- نژادگرایی، از ارزشهای شیطانی است. «خلقتنی من نار»
- ۱۲- شیطان در برابر فرمان روشن و صریح خداوند، به سلیقه شخصی خود عمل کرد و به اصطلاح، اجتهاد در برابر نص نمود. إذ أمرتك قال ... خلقتنی من نار ...
- ۱۳- شیطان، از روش قیاس استفاده کرد که اساس علمی ندارد، بلکه بر مبنای گمان است. «خلقتنی من نار و خلقتَهُ مِنْ طِينٍ»

۲. موضوعات

نمونه؛

موضوع ؛ سلام

چیستی سلام ؟

پرائی سلام ؟

الفاظ مرتبط ؛ تهیت، تسلیم، صل

آمار در قرآن ؟ ماده؛ ۱۴۰ / سلام؛ ۳۶

به چه کسانی سلام شده است؟

بهترین سلام به چه کسی ؟

به چه کسی سلام کنیم؟

موانع سلام ؟

آثار سلام ؟

آداب و احکام سلام ؟

« لَّهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ » (

سلامی از خدا؛ « سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ »

از ملائکه؛ « وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

بِما صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ »

« سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ » (

از همدیگر؛ « لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ... »

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ فَقَالُوا لَهُ أَعْلِمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ الْعَرَبِ عِلْمُهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ وَ فَضْلُ الْعُلَمَاءِ .

تعریف (چیستی)

اهمیت (ضرورت و پرائی)

الفاظ مرتبط ، متضاد و مترادف

آمار (در قرآن و کتب)

قیود و ویژگی ها (چگونه، چه اندازه، چه وقت، کہا و ...)

موانع

آثار و پیامدها

چه باید کرد؟

نمونه های دسته بندی موضوعی

ذکر

چرا؟ (اهمیت)

چه وقت؟

چه اندازه؟

چگونه؟

با چه وسیله؟

چه کسانی متذکر می شوند؟

چه اندازه از مردم متذکر می شوند؟

موانع ذکر

آثار ذکر

ذکر ؛ وسیله آزمایش و تشخیص

چه باید کرد؟

ذکر

چرا؟ (اهمیت)



چه وقت؟



چه اندازه؟



چگونه؟



با چه وسیله؟



چه کسانی متذکر می شوند؟



چه اندازه از مردم متذکر می شوند؟



موانع ذکر



آثار ذکر



ذکر ؛ وسیله آزمایش و تشخیص



چه باید کرد؟



۳. مفردات قرآن

الفاظ مفاهیم

لا تُطِيع

وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا (كهف / ۲۸)

مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (انسان / ۲۴)

كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ (قلم / ۱۰)

الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ (احزاب / ۱ و ۴۸ و فرقان / ۵۲)

الْمُكَذِّبِينَ (قلم / ۸)

چرا؟

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (انعام / ۱۱۶)

پس از چه کسی اطاعت کنیم؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء : ۵۹)

هُوَ الَّذِي
إِنَّهُ هُوَ
وَمِنَ النَّاسِ
وَمِنَ آيَاتِهِ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
إِنَّ فِي ذَلِكَ
ذَلِكَ بَانَ اللَّهُ
قَبَائِلُ / بَائٍ
إِنْ كُنْتُمْ
إِنْ تَوَلَّوْا
بِكُلِّ شَيْءٍ
بِأَلْتِي
قَالُوا
ذَلِكَ
لَا تُطِيعُ
لَا خَوْفَ
أَلَيْسَ اللَّهُ
لَا تُحْسِبَنَّ / أَفَحَسِبْتُمْ
لَيْمَ
و....

لا تَقْرَبُوا

الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ

(انعام / ١٥١)

الزَّنى إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا

(اسراء / ٣٢)

مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

(انعام / ١٥٢ و اسراء / ٣٤)

الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَّارٌ حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

(نساء / ٤٣)



من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)



من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

من كذا وكذا (من كذا وكذا) (من كذا وكذا) (من كذا وكذا)

(١) اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ إبراهيم : ٤٢

(٢) اللَّهُ مُخْلِفٌ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ إبراهيم : ٤٧

(٣) الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ آل عمران : ١٦٩

(٤) الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ نور : ٥٧

(٥) الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَفَازَةٍ

مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ آل عمران : ١٨٨

لَا تَحْسَبَنَّ

(٢) يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ طلاق / ٢ و ٣

(٣) يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا طلاق / ٤

(٤) يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا طلاق / ٥

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

أَنْتُمْ

(١) ... أَغْلَمُ أَمْ اللَّهُ ... (بقره ١٤٠)

(٢) تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (٥٩)

(٣) تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (٦٤)

(٤) أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (٦٩)

(٥) أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (٧٢)

(٦) أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا (نازعات ٢٧)

(٧) وَ يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ

عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (فرقان ١٧)

تمرین

لَوْ أَن	وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
اتَّبَعُوهُ - لَا تَتَّبِعُوا	وَمَنْ أَحْسَنُ
إِعْلَمُوا	وَمِنَ النَّاسِ
إِعْمَلُوا	وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
أَنْظُرْ كَيْفَ	وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ
أَنْفِقُوا	وَمِنْهُمْ
أَنْفِقُوا	إِنْ كُنْتُمْ
كُتِبَ	أَنْتُمْ
يَا لَيْتَنِي	جَاثِمِينَ
بَشَرٍ	أَفَحَسِبْتُمْ
	اتَّبِعْ - لَا تَتَّبِعْ

۴. مراتب

• هم‌آورد خواهی (تحدی قرآن)

• کتاب

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجَنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً «اسراء: ۸۸»
قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ «قصص: ۴۹»

• ده سوره

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ «هود: ۱۳»

• یک سوره

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ «يونس: ۳۸»
وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ «بقره: ۲۳»

• یک آیه

• فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ «طور: ۳۴»

عالم / علیم / علام

شدید / شداد / اشد

صادق / صدیق / صدیق

مرد / مارد / مرید / ممرّد

غافر / غفور / لغفور / غفار / لغفار

خسر / خسران مبین / خاسر / لخاسر / اخسر

دع اذاهم / فاعرض عنهم / واغلظ عليهم / فقاتلوا الذين يقاتلونكم

لَاهِيَةً قُلُوبَهُمْ / وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ / تَابَى قُلُوبُهُمْ / فَكَسَتْ قُلُوبَهُمْ / تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ.

نمونه های

مراتب

ماده غفر ۲۳۴ بار در قرآن آمده است .

غافر الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (غافر / ۳)

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ **غَفُورٌ** رَحِيمٌ (آل عمران / ۳۱)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا **لَغَفُورٌ** رَحِيمٌ (أعراف / ۱۵۳)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ **غَفَّارًا** (نوح / ۱۰)

وَإِنِّي **لَغَفَّارٌ** لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (طه / ۸۲)

۵. اجمال و تفصیل؛

- ذَلِكَ هُوَ ... ،
- هُوَ الَّذِي ... ،
- أُولَئِكَ الَّذِينَ .. ،
- هُمُ الَّذِينَ ... ،
- هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ... ،
- هَا أَنْتُمْ ...
- فَذَلِكَ الَّذِي ...
- إِنِّي أَنَا ...
- إِنَّكَ أَنْتَ ...
- و ...

أُولَئِكَ هُمُ ال ...
 ۳۷ بار
 أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ ال ...
 ۳ بار

الْمُفْلِسُونَ	الْمُعْتَدُونَ
الْمُفْسِدُونَ	
الْفَائِزُونَ	الْفَاسِرُونَ
الْمُهْتَدُونَ	الْكَاذِبُونَ
الْمُتَّقُونَ	وَقَوْدُ النَّارِ
الْمُؤْمِنُونَ	الضَّالُّونَ
أُولُوا الْأَلْبَابِ	الْكَافِرُونَ
الرَّاشِدُونَ	الْغَافِلُونَ
الْمُتَّقُونَ	الْفَاسِقُونَ
الْمُتَّقُونَ	الظَّالِمُونَ
الْمُتَّقُونَ	السُّفَهَاءَ
الْمُتَّقُونَ	الْكُفْرَةَ الْفَجْرَةَ

نمونه های اجمال و تفصیل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ **كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ**

()

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ

جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ **اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ**

()

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ

الْآصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ

(اعراف : ٢٠٥)

لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ

أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ

أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

(الأعراف : ١٧٩)

۶. اسم تفضیل ها

- (احسن ، انصح ، اقوم ، اظلم ، اكبر ، اشد ، احب ، اكثر ، اقل ، اعظم ، اعلم ، اقرب ، اخسر ، اضل ، اهدى ، ادهى ، امرّ ، اجدر ازكى ، اطهر ، ادنى ، احرص ، احوى و ...)

• « ازكى » چهار بار در قرآن آمده است . سه بار در ارتباط با زنان و يك بار در ارتباط با غذا .

- تمام کارهای خداوند، از نوع بهترین است.

- از ما نیز بهترین ها را می خواهد ؛

« أَكْثَر » ۷۹ بار در قرآن آمده است.

الاولین یکبار

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ « صافات / ۷۱ »

کم ۲ بار

وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ « زخرف / ۷۸ »

وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ « مائده / ۵۹ »

أَكْثَر

الناس ۲۰ بار

هم ۴۴ بار

لَا يَعْلَمُونَ

و
لَا يُؤْمِنُونَ

بیشترین ایراد بشر

آیه	تکرار	آیه	تکرار
لَا يَشْكُرُونَ	۳	لا يعقلون	۴
لَا يَعْلَمُونَ	۲۶	وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ	۱
لَا يُؤْمِنُونَ	۷	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ	۸
فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا	۲	كاذبون	۱
يجهلون	۱	لا يسمعون	۲
لَا يَشْكُرُونَ	۳	مُشْرِكِينَ	۱
الفاسقون و لفاسقين	۴	و	

وَأِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ «أنعام : ۱۱۶»

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا « كهف : ۵۴ »

موارد دیگر
۱۲ بار

« إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ »

شعراء / ٨ بار تکرار

۷. الفاظ هم آوا

(تلاق و طلاق، تقوی و طغوی، آمین و عمین، اسیر و عسیر، هامد و حامد، سعید و صعید، موسی و موصلی، محسن و محسن، منشور و منصور، عزیز و عظیم، أليم و عليم، أثل و أصل، عبث و عبس، قسم و قصم، طین و تین، عضین و عزین، نکث و نکص و نکس، ثبات و سباط، سائغ و سائق، قائد و قاعد، قانطین و قانتین، سد و صد، سدید و صدید، سب و صب، آتیه و عاتیه، أمل و عمل، أمد و عمد، حاضر و حاذر، حاد و هاد، فرح و فره، قَلّ و غَلّ، غبر و قبر، تاب و طاب، غد و قد، صبّ و سبّ، رکز و رکض، حرب و هرب، رحب و رهب، حاسب و حاصب، حسد و حصد، تبع و طبع، ناظره و ناضره، صواب و ثواب، هبط و حبط، زیغ و ضیق، زرع و ذرع، سحر و صهر، حجر و هجر، جحد و جهد، وسیله و وصیله، یأمر و یعمر، یبسط و یبسط، لقوی و لغوی، لبث و لبس، برّ و برّ، سر و صر، سار و صار، و ...)

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. (انسان / ۸)

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (فرقان / ۲۶)

همچنیند الفاظ مختلف حرکت مانند؛ (مِل و مَل، وِزر و وِزر، بِر و بَر، ضِعِف و ضَعَف، غِلّ و غُلّ و غَلّ، و ...)

۸. مثل های قرآنی

مَثَلٌ هَا؛ (مَثَلٌ... / كَمَثَلٍ / مَثَلٌ + هَا ، هَمْ / الْأَمْثَالُ / ك..)
كَأَنَّ + هَا ، هَمْ ، هُنَّ

۱ : خاموشی نور در بیابان تاریک و وحشت زا

۲ : گروه سرگردان در بیابان تاریک و وحشت زا

۳ : معبودانی پست تر از پشه

۴ : دل‌های سخت تر از سنگ

۵ : جاننداری که جز داد و فریاد، بهره ای نمی برد

۶ : در کشاکش سختی ها و ناراحتی ها

۷ : دانه ای که به هفتصد دانه تبدیل می شود

۸ : کشتزاری بر سنگ خارا

۹ : اتفاق خالصانه در راه خدا

۱۰ : منت پس از اتفاق یا آتشباری در باغ زندگی

۱۱ : رباخواران بسان دیوانگان فاقد تعادل !

۱۲ : عیسی نیز همچون آدم ، پدر نداشت

۱۳ : اتفاق کافران بسان زراعتی در گردباد سوزان

۱۴ : زندگی در نور ایمان ، با زندگی در تاریکی کفر

۱۵ : قلب مومن بسان سرزمین پاکیزه

۱۶ : دانشمند بد فرجام بسان حیوان درنده است

۱۷ : بنای استوار و بنای ناپایدار

۱۸ : جهان ناپایدار بسان بهار زودگذر

۱۹ : دو گروه بینا و نابینا یکسان نیستند

۲۰ : فریاد رسانانی بیچاره و زبون

۲۱ : مقایسه حق و باطل

۲۲ : همچون خاکستری در تندباد

۲۳ : عقیده پاک همچون شجره طیبه است

۲۴ : اندیشه ناپاک بسان درخت ناپاک است

۲۵ : ملت های پیشین

۲۶ : موجود ناتوان که نیاز به غذا و فرزند دارد

۲۷ : موقعیت معبودهای دروغین و معبود واقعی

۲۸ : موقعیت مومن و کافر

۲۹ : زنی که رشته ها را، وا می تابد

۳۰ : کفران نعمت های مادی و معنوی

۳۱ : میانه روی در اتفاق

۳۲ : منطق مومن و کافر در جهان آفرینش

۳۳ : زندگی زودگذر بسان گیاهان سرسبز

۳۴ : معبودانی پست تر از مگس

۳۵ : ستاره فروزان

۳۶ : سراب است نه آب

۳۷ : شبی تاریک در دل دریای مواج

۳۸ : پناهگاهی سست تر از لانه عنکبوت

۳۹ : شریکانی دون و پست

۴۰ : پست تر از آب تلخ

۴۱ : بینا و نابینا، تاریکی و نور یکسان نیست

۴۲ : سرگذشت قوم انطاکیه

۴۳ : زندگی پیشین بسان حیات نخستین

۴۴ : بنده یک شخص ، و بنده چند شخص

۴۵ : سنت الهی درباره مستکبران

۴۶ : نمونه ای برای آیندگان

۴۷ : معبودان دروغین ، نه همچون مسیح و فرشته

۴۸ : وصف بهشت موعود

۴۹ : کشتزاری استوار و شکوفا

۵۰ : ادوار پنج گانه عمر

۵۱ : دو سرنوشت یکسان

۵۲ : نویدی مانند نوید شیطان

۵۳ : دل‌های سخت تر از صخره ها

۵۴ : چهارپایی بر او کتابی چند

۵۵ : گنهکارانی مانند همسران نوح و لوط

۵۶ : همچون همسر فرعون و مریم

۵۷ : کدام یک از دو گروه ، راه به مقصد می برند

نمونه هائی از تمثیلات قرآنی

كَمْثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَاراً بقره : ١٧

كَمْثَلِ صَفْوَانٍ بقره : ٢٦٤

كَمْثَلِ آدَمَ آل عمران : ٥٩

كَمْثَلِ رِيحٍ آل عمران : ١١٧

كَمْثَلِ الْكَلْبِ أعراف : ١٧٦

كَمْثَلِ الْعَنْكَبُوتِ عنكبوت : ٤١

كَمْثَلِ غَيْثٍ حديد : ٢٠

كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ حشر : ١٦

كَمْثَلِ الْحِمَارِ جمعه : ٥

كَمْثَلِ جَنَّةٍ بقره : ٢٦٥

كَمْثَلِ حَبَّةٍ بقره : ٢٦١

كَمْثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً بقره : ١٧١

كَانَهُمْ لَوْلَوْ مَكْنُونٌ طور : ٢٤

كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنتَشِرٌ قمر : ٧

كَانَهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ قمر : ٢٠

كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مُرْصُوصٌ صف : ٤

كَانَهُمْ خَشْبٌ مُسْنَدَةٌ منافقون : ٤

كَانَهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ حاقه : ٧

كَانَهُمْ إِلَى نَصَبٍ يُوفِضُونَ معارج : ٤٣

كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ مدثر : ٥٠

كَانَهُنَّ ...
كَانَهُنَّ بَيَاضٌ مَكْنُونٌ صافات : ٤٩

كَانَهُنَّ أَلْيَاقُوتٌ وَ الْمَرْجَانُ رحمن : ٥٨

كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ نور : ٣٥

كَانَهُ ظُلُمَةٌ أعراف : ١٧١

كَانَهُ رُؤُسُ الشَّيَاطِينِ صافات : ٦٥

كَانَهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ فصلت : ٣٤

كَانَهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ مرسلات : ٣٣

تمرین؛

پشه ؛ **بَعُوضَةٌ**

شتران تشنه ؛ **فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ**

چهارپایان **كَالْأَنْعَامِ**

کوه عظیم؛ **كَالطُّودِ الْعَظِيمِ**

کوه آسا؛ **كَالْأَغْلَامِ**

کوه ؛ **كَالْجِبَالِ**

فلز یا مس گداخته شده؛ **كَالْمُهْلِ**

شب تار؛ **كَالصَّرِيمِ**

پوسیده و خرد شده؛ **كَالرَّمِيمِ**

کسی که... ؛ **كَالَّذِي**

زنی که... ؛ **كَالَّتِي**

چرم سرخ گلگون؛ **كَالدَّهَانِ**

سنگ ؛ **كَالْحِجَارَةِ**

حوضچه ها و دیگهای چسبیده به زمین؛ **كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ**

درهم پیچیدن صفحه نامه ها؛ **كَطَيِّ السَّجِلِّ لِلْكَتَبِ**

خاکستر؛ **كَرَمَادٍ**

سرابی در زمینی هموار؛ **كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ**

شتر و سوراخ سوزن؛ **حَتَّى يَلْجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ**

کوران و کران و.. ؛ **كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ**

دختر؛ **كَالْأُنْثَى**

مروارید نهفته در صدف ؛ **كَامْتَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ**

سرگردان و بلا تکلیف؛ **كَالْمَعْلَقَةِ**

کاخ؛ **كَالْقَصْرِ**

ملخ های پراکنده؛ **كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ**

سفال ؛ **كَالْفَخَّارِ**

بزهکاران؛ **كَالْفَجَّارِ**

گناهکاران؛ **كَالْمُجْرِمِينَ**

هزار سالی که شما می شمارید؛ **كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ**

پشم؛ **كَالْعِهْنِ**

شاخه کهنه هلالی شکل نخل؛ **كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ**

پاره های ابر؛ **كَالظِّلِّ**

مرده ؛ **مَيِّتًا**

تاریکی هایی در دریایی مواج ؛ **كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجْئٍ**

و

۹. ضرب المثل ها ؛

از کوزه همان برون تراود که در اوست

... كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ ... ؛ هر کس طبق روش و (خلق و خوی) خود عمل می کند. (إسراء / ۸۴)

... وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاغِرًا كَفَّارًا ؛ و جز نسلی فاجر و کفار به وجود نمی آورند. (نوح / ۲۷)

... قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ... ؛ دشمنی از کلامشان آشکار شده، ... (آل عمران / ۱۱۸)

از پس هر گریه آخر خنده ای است. / اندر پس هر گریه ، دو صد خنده مهیاست .

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ؛ مسلماً با (هر) سختی آسانی است. (انشراح / ۶)

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ؛ خداوند به زودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد! (طلاق / ۷)

اندکی صبر سحر نزدیک است.

إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ؛ مگر نه این است که صبح امید (پیروزی) نزدیک است؟ (هود / ۸۱)

نا برده رنج گنج میسر نمی شود .

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و انسان را نیست جز آنچه کوشش کند. (نجم / ۳۹)

• رنگ رخسار خبر می دهد از سرّ ضمیر.

• يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ ؛ گناهکاران به چهره و سیمایشان شناخته شوند. (الرحمن / ۴۱)

• یک دست صدا ندارد.

• وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ؛ و همگی به ریسمان الهی دست زنید و پراکنده نشوید. (آل عمران / ۱۰۳)

• از آن جا رانده، از این جا مانده.

• « خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ... ؛ در دنیا و آخرت زیان کار شد. » (حج / ۱۱)

• گل بود به سبزه نیز آراسته شد.

• حرف های بزرگتر از دهان .

• كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (كهف / ۵)

• آخر گذر پوست به دباغ خانه می افتد .

• قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ : (ابراهیم / ۳۰)

بگردد تا بگردیم.

فَانظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (اعراف / ۷۱)

با سیلی صورت خود را سرخ نگه می دارد

يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ... (بقره / ۲۷۳)

بخشش تا ببخشند.

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (نور / ۲۲)

تیر در تاریکی انداختن.

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ (كهف / ۲۲)

به دعای گربه سیاه باران نمی بارد .

«وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (رعد / ۱۴)

دو صد گفته چون نیم کردار نیست .

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف / ۲)

کوسه و ریش پهن نمی شود .

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (صافات : ۸۷)

• **نرود میخ آهنین در سنگ .**

• **أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ** (بقره / ۶) آنها را انداز دهی یا ندهی (فایده ندارد) آنها ایمان نمی آورند.

• **هر چه کنی به خود کنی / گر همه خوب و بد کنی . / هر گلی بزنی به سر خودت زده ای .**

• **إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا** (اسراء / ۷)

• **چو ایزد ببندد ز حکمت دری / به رحمت گشاید در دیگری**

• **مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا** (بقره / ۱۰۶) هر آیه ای را که منسوخ کنیم یا آن را متروک سازیم ، بهتر از آن یا مثل آن را می آوریم

• **سحر خیز باش تا کامروا باشی .**

• **وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً** (اسراء / ۷۹) قسمتی از شب را بیداری کن و نافله به جا بیاور تا خداوند تو را به مقام محمود برساند.

• **آن دو شاخ گاو اگر خر داشتی ، یک شکم در آدمی نگذاشتی . / گربه مسکین اگر پر داشتی ، تخم کفتر از زمین برداشتی**

• **وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ** (شوری / ۲۷)

• **إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ** (علق / ۷۶)

- **جواب ابلهان خاموشی است.**
- « إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا » (فرقان / ۶۳) هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب می سازند ، سلام می دهند .
- **خودم کردم که لعنت بر خودم باد.**
- « وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ » (ملک / ۱۰)
- **گله از هیچ کس نباید کرد کز تن ماست آنچه بر تن ماست.**
- « وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ » (شوری / ۳۰)
- « ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ » (روم / ۴۱)
- **مخور هول ابلیس تا جان دهد هر آنکس که دندان دهد نان دهد.**
- « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ » (إسراء / ۳۱)
- **اگر تیغ عالم بجنبد ز جای نبرد کسی ، گر نخواهد خدای.**
- « قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ » (انبیاء / ۶۹) گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.»
- **دست بالای دست بسیار است ..**
- « وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ » (یوسف / ۷۶) و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است.
- **چاه مکن بهر کسی اول خودت بعدا کسی.**
- « وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛ » (فاطر / ۴۳) و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد

• ۱۰. تضاد و تقابل ؛

- گروه های متضاد در قرآن ؛ (إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُفْرًا ... إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُفْرًا). حزب الله و حزب الشیطان / قلب سلیم و قلب مریض / زن حضرات نوح و لوط و زن فرعون / فرار یوسف و زلیخا ، امام نار و امام نور ، عکس العمل حضرت آدم و شیطان بعد از ابتلا و ...)

• رطب و یابس ، فقیر و غنی ، شاکر و کافر ، اعلی و اسفل ، سفلی و علیا ، طیب و خبیث ، اعمی و بصیر ، احیاء و اموات ، عالم و جاهل ، مسیء و محسن ، اذله و اعزه ، عسر و یسر ، شکر و کفر ، ضعیف و قوی ، بر و بحر ، خیر و شر ، یمین و یسار ، سلف و خلف ، تبیض و تسود ، اقبل و ادبر ، بشیر و نذیر ، امر و نهی ، قریب و بعید ، شقی و سعید ، قدیم و جدید ، اضحک و ابکی ، درکه و درجه ، قبل و بعد ، حق و باطل ، حلال و حرام ، اول و آخر ، بکر و فارض ، بکره و عشیاء ، ضر و نفع ، صغیر و کبیر ، سر و علانیه ، حسنه و سیئه ، خفافاً و ثقلاً ، سر و جهر و... (مناجات مسجد کوفه)

• « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ » (فاطر / ۱۵)

• وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اُخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّ اجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا (اِسرء / ۸۰)

۱۱. ربط آیات

«ارتباط یابی بین آیات برای کشف پیامی جدید از تلفیق چند آیه»

نمونه؛

ربط دادن کلمه «**تَعْقِلُونَ**» که ۲۴ بار در قرآن و اکثراً بعد از «لَعَلَّكُمْ و أَفْلا» آمده است. با آیات؛

«وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» مائده : ۵۸

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» فرقان : ۴۴

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» انفال : ۲۲

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» ملک / ۱۰

"أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ... (فاطر / ۸) و «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳) الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴) أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (كهف / ۱۰۵)

«أقم الصلاة لذكرى» طه / ۱۴ با «ألا بذكر الله تطمئن القلوب» رعد / ۲۸ با «يا أيها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك» فجر / ۲۷.

طهر ، عزم ، فزت و رب الكعبه، و

« تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى » (مائده ٢/)

« لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ... » * « لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ
تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ... » (بقره / ١٧٧

و ١٨٩)

« لا ينال عهدي الظالمين » ، « اوفوا بعهدى »

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

(احزاب / ۴۱ و ۴۲)

کلمه "سبحان" اسم مصدر از ماده تسبیح به معنای تنزیه است، و همواره به طور اضافه استعمال می‌شود و در ترکیب، مفعول مطلق است که قائم مقام و جانشین فعل است، بنا بر این تقدیر "سبحان الله" "سبحت الله تسبیحا" است یعنی خدای را تنزیه می‌کنم تنزیه کردن مخصوصی، و آن تنزیه و مبری ساختن او از هر چیز است که لایق ساحت قدسش نباشد و برای بیان تعجب و تنزیه استفاده می‌شود.

پس سبحان الله یعنی ؛

منزهی تو از داشتن فرزندی؛ « بقره / ۱۱۶، نساء / ۱۷۱، یونس / ۶۸، نحل / ۵۷، مریم / ۳۵، انبیاء /، زمر / ۴، و ... »
منزهی تو از داشتن شریک؛ « انعام / ۱۰۰، توبه / ۳۱، یونس / ۱۸، نحل / ۱، اِسرائ / ۴۳، روم / ۴۰، زمر / ۶۷، فرقان / ۱۸، سبأ / ۴۱، یوسف / ۱۰۸، قصص / ۶۸، و ... »

منزهی از انجام کار عبث؛ « آل عمران / ۱۹۱، مومنون / ۹۱، منزهی از اینکه در وصف آیی؛ صافات / ۱۸۰ و ۱۵۹، مومنون / ۹۱،
منزهی از خلف وعده؛ « اِسرائ / ۳۸، و ... »

منزهی تو از پندار هائی که مخلوقات نسبت به تو دارند؛ « اِسرائ / ۹۳، ... »

و

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى... سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ... سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ... سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۱۲. جملات توصیفی

- علامت؛ الذین ... والذین ...
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)
- الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)
- وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)
- وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴)
- وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)
- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)
- وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹) أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)
- (آل عمران / ۱۳۳. نساء / ۳۶. رعد / ۱۹. مؤمنون / ۱ و ۵۹. فرقان / ۶۳. شوری / ۳۶. حشر / ۷. معارج / ۲۲)

۱۳. تکرارها در قرآن

مهم ترین حکمت های تکرار

- ۱- تذکر و یادآوری (با استناد به آیات ۵۱ قصص و ۱۱۳ طه) (در سوره های الرحمن و مرسلات)
- ۲- پندپذیری و عبرت گیری و آگاه سازی (تکرار «بَعَلَ» در آیه «أَمَّنْ بَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَبَعَلَ فُلَهَا أَنْهَرًا وَبَعَلَ لَهَا رَوْسِي وَبَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا» (نمل / ۶۱)
- ۳ تأکید «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» و
- ۴ تقریر «قَوْلٍ مِنْ مِّثْلِهِ»
- ۵- تعظیم و تهویل « أَلَمْ نَخْلُقْ مَا أَلَمْ نَخْلُقْ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْوَاقِعُ »
- ۶- وعید و تهدید «لَا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ لَا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»
- ۷- تعدد متعلق (در بسیاری از تکرارهای قرآن آنچه بار دوم تکرار می شود متعلق به چیزی است غیر از آن که نخستین بار آمده است)
- ۸- دفع توهم در عبارت «فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْكَلِمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ...»
- ۹ تعجب «فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ ثُمَّ قَتِلَ كَيْفَ قَدَرٌ».
- ۱۰ مدح «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ».
- ۱۱ مبالغه در مذمت ؛ «الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعْبًا كَانُوا هُمُ الْخَسِرِينَ».
- ۱۲ استبعاد ؛ «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ»
- ۱۳- ایجاد زمینه تدبر ؛ با استناد به آیه «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا...»

انوع تکرار در قرآن

لفظی

کلمه

جمله

(۱) عینا خود آیه تکرار شده است.

(۲) اول آیه تکراری است.

(۳) آخر آیه تکرار شده است.

مفهومی؛ برخی از داستانها و حوادث و موضوعات. (نماز)

« شعراء: ۱۹۰ و ۱۷۴ و ۱۵۸ و ۱۳۹ و ۱۲۱ و ۱۰۳ و ۶۷ و ۸ »
فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹ اسراء)
وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴ كهف)
(۵۸ روم) (زمر ۲۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ
وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ...
فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (آل عمران : ۵۰ و شعراء : ۱۱۰ ، ۱۰۸ : ۱۲۶ : ۱۳۱ : ۱۴۴ : ۱۵۰ : ۱۶۳ : ۱۷۹ و زخرف : ۶۳ و
نوح : ۳ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ وَ أَطِيعُوا)

۱۴. شرط ها؛

« إِنْ عُدْتُمْ عَدُنَا » (إسراء / ۸)

« إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ » (ممد : ۷)

« وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا » (جن / ۱۶)

« إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ... » (آل عمران / ۱۶۰)

« وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ ... » (هود : ۱۱۳)

« فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ » (مجادله / ۱۱)

« ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » (غافر / ۶۰)

« لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ » (ابراهيم / ۷)

« فَادْكُرُونِي أُدْكُرْكُمْ » (بقره / ۱۵۲)

« أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ » (بقره / ۴۰)

« فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ » (آل عمران / ۳۱)

« وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ » (نور / ۲۲)

« قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَرْتُمْ مُوَهُمَّ وَ اقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا » (مائده / ۱۲)

۱۵. تشخیص ابعاد یک موضوع

مراجعه به کارشناس

عالم ←  ← جاهل

عالم ←  ← عالم

جاهل ←  ← جاهل

جاهل ←  ← عالم

- قرآن
- تقلید
- قضاوت
- خانواده
- عبد و امه
- انفاق مال
- تزکیه و تعلیم
- ایمان و عمل صالح
- حیوانات
- و

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

سَخِيٌّ

الرَّجَالُ
أَرْبَعَةٌ

وَلَيِّمٌ

وَكَرِيمٌ

وَبَخِيلٌ

فَالسَّخِيُّ الَّذِي يَأْكُلُ وَ يُعْطَى

وَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَ يُعْطَى

وَ الْبَخِيلُ الَّذِي يَأْكُلُ وَ لَا يُعْطَى

وَ اللَّيِّمُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَ لَا يُعْطَى

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ غُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ قَالَ حَدَّثَنَا صَالِحُ الْقَمَاطِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ؛

النَّاسُ أَرْبَعَةٌ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُمْ فَقَالَ؛

رَجُلٌ أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَلَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ

وَرَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يُؤْتَ الْإِيمَانَ

وَرَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَأُوتِيَ الْإِيمَانَ

وَرَجُلٌ لَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ وَلَا الْإِيمَانَ

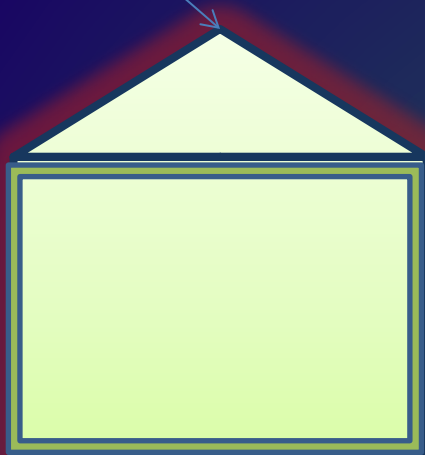
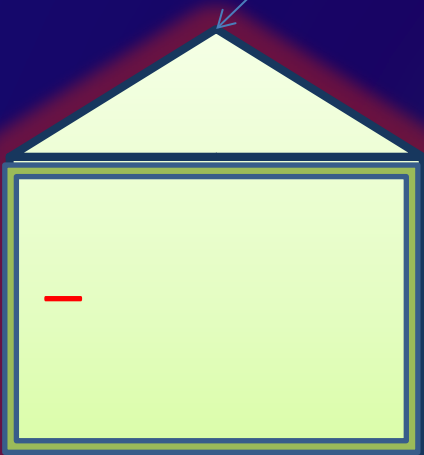
قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَسَرُّ لِي حَالَهُمْ فَقَالَ ؛

أَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْإِيمَانَ وَلَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ التَّمْرَةِ طَعْمُهَا حُلْوٌ وَلَا رِيحَ لَهَا

وَأَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يُؤْتَ الْإِيمَانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْأَسِي رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَالْإِيمَانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْأُتْرُجَةِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا طَيِّبٌ

وَأَمَّا الَّذِي لَمْ يُؤْتَ الْإِيمَانَ وَلَا الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ وَلَا رِيحَ لَهَا.



ناصالح و صالح

صالح و ناصالح

فرزندان ناصالح

فرزندان صالح

• ۱۶. جُزء و کُلّ

- اجزاء زمان؛
- اجزاء اشخاص؛
- اجزاء عبادات؛
- اجزاء آفرینش؛
- اجزاء بهشت و جهنم
- اجزاء مکان؛

۱۷. مقایسه (تباين، التزام، من وجه ، مطلق)

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ

بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ

بقره: ۱۵۴

- غسل و وضو
- خمس و زکات
- مسجد و حسینیه
- نماز جمعه و نماز عید
- زکات فطر و زکات مصطلح
- قرآن و نماز
- رسول و نبی
- شهید و میت
- و

یا مانند آیات ۲۰۰ و ۲۰۱ سوره بقره / مطفین ۲۹ و ۳۴ / زمر ۷۱ و ۷۳

۱۸. نمایش

- وَ إِنِّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۳) إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴) إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵) أَإِفْكَآ آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶) فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷) فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (۸۸) فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹) فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۹۰) فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱) مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ (۹۲) فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۹۳) صافات
- " فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ " قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بَالِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟ " " قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَلُّوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ " . انبیاء / ۶۳

(انعام / ۱۵۳)

(اسراء / ۲۹)

(بقره / ۱۹۷)

تعلیم وضو، شافه، درخت، حضرت علی و عقیل و

[illegible]

و قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
أحبّ الصبيان لخمس:

الأول: أنهم هم البكاؤون.

والثاني: يتمرغون بالتراب.

والثالث: يختصمون من غير حقد.

والرَّابِع: لا يَدْخَرُونَ لَعْدَ شَيْءٍ.

والخامس: يعمّرون ثمّ يخربون.

تحرير المواعظ العددية ٣٨٩ الفصل الثالث

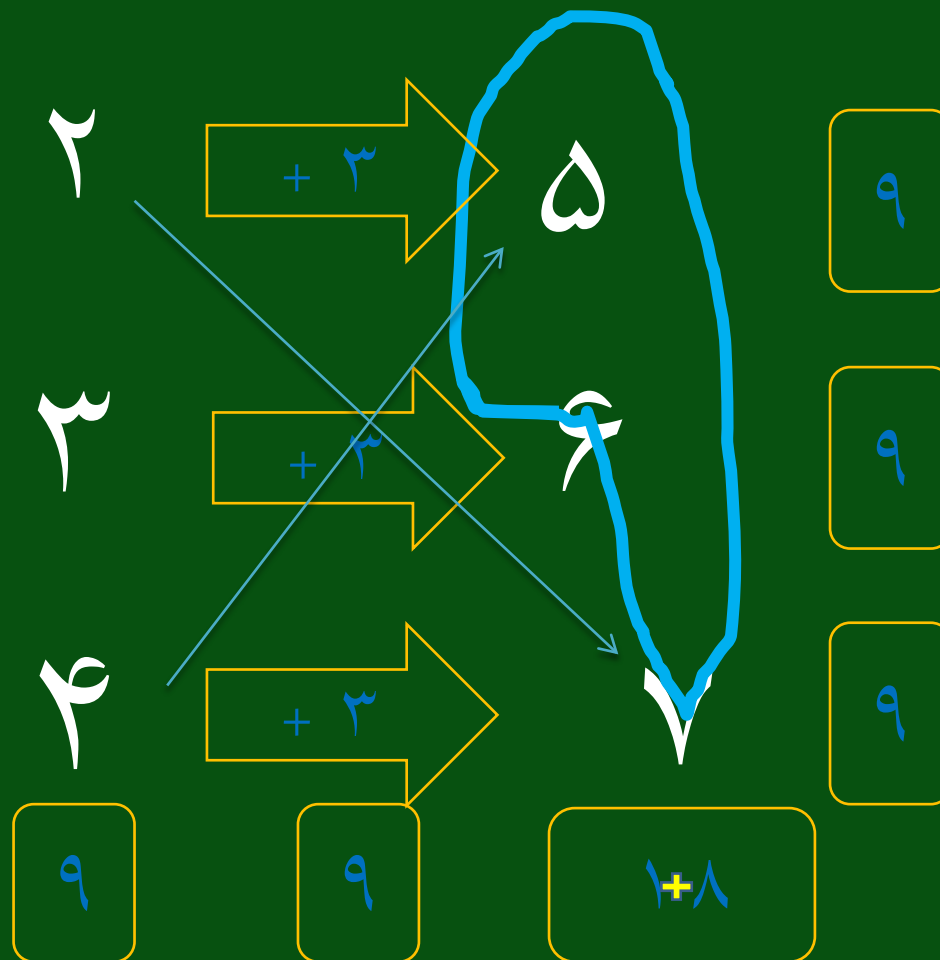
اعجاز اعداد

هماهنگی واژه ها؛ (فرضیه و نیاز به تحقیق بیشتر)

تکرار واژه ها و شماره جالب این تکرار، یکی از جنبه های اعجاز عددی قرآن است. برای مثال، کلمه دنیا ۱۱۵ بار و کلمه آخرت ۱۱۵ بار تکرار شده است. کلمه گیاه ۲۶ بار و کلمه درخت نیز ۲۶ بار تکرار شده است. کلمه تابستان گرم ۵ بار و کلمه زمستان سرد نیز ۵ بار. زکات ۳۲ بار و برکت هم ۳۲ بار. شراب ۶ بار و مستی هم ۶ بار. فقر ۱۳ بار و ثروت هم ۱۳ بار. فرشته ۸۸ بار و شیطان هم ۸۸ بار. بهشت ۷۷ بار و جهنم هم ۷۷ بار. شیاطین ۶۸ بار و ملائک هم ۶۸ بار. حیات ۷۱ بار و کلمه موت هم ۷۱ بار در قرآن استفاده شده است.

و

اما یکی از جنبه های اعجاز عددی قرآن تعداد به کار بردن برخی از کلمات است. برای مثال کلمه یوم به معنای روز به صورت مفرد ۳۶۵ بار به تعداد روزهای سال شمسی در قرآن به کار رفته است و به صورت تشبیه و جمع ۳۰ بار به تعداد روزهای ماه. کلمه شهر به معنای ماه، ۱۲ بار در قرآن دیده می شود، یعنی درست به تعداد ماه های سال. کلمه الساعه (ساعت) در قرآن ۲۴ بار به کار رفته است. سماوات السبع یا سبع سماوات (هفت آسمان) ۷ بار استفاده شده است. سجده و مشتقات آن ۳۴ مرتبه به کار رفته که برابر مجموع سجده های ۱۷ رکعت نماز شبانه روزی است. مشتقات وحی به تعداد اوصیای الهی ۱۲ بار به کار رفته است. لفظ شیعه و مشتقاتش ۱۲ بار و مشتقات فرقه ۷۲ بار به تعداد ۷۲ فرقه اسلامی.



قال اميرالمومنين عليه السلام **مَنْ أَفْسَدَ جَوَانِيهٗ أَفْسَدَ اللّٰهُ بَرَانِيهٗ**

هر کس نعمتهای خداوند را فاسد کند ، خداوند هم زندگی او را فاسد می کند / بحار الانوار ج ۶۸ ۳۶۵ باب ۹۰ حسن العاقبة و إصلاح السريّة ... ص : ۳۶

۲۰. اشکال ؛ (با استفاده از اشکال هندسی)



ایمان

معیارهای اصلی
انتخاب همسر

اصالت
خانوادگی

اخلاق حسنه

مسجد

معیار
تربیت دینی

مدرسه

منزل

«يُحْفَظُ الْأَطْفَالُ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ»

(تفسير العياشي عَنْ زُرَّارَةَ وَ قُمَرَانَ عَنْ أَبِي بَقَّعٍ وَ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)



مراحل بطن یابی آیات قرآن

دیدگاه آیه الله معرفت « ره »

(جهت مطالعه)

- ۱- به دست آوردن هدف آیه
- ۲- إلغای خصوصیت از زمان و مکان و افراد
- ۳- أخذ قاعده کلی از آیه
- ۴- تطبیق بر مصادیق جدید
- ۵- آزمایش (تا از ذوقی بودن مطلب اجتناب شود).

• مثال؛ « أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعِ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » (یوسف / ۱۲)

- ۱- هدف؛ هشدار به خانواده ها
- ۲- إلغای خاص بودن آیه برای خانواده یعقوب، مکان فلسطین، زمان بنی اسرائیل و . . .) هرچه در هدف اثری ندارد إلغا می شود.
- ۳- قاعده؛ هشدار به والدین ، هشدار به مسئولین فرهنگی مملکت، و « بیش از نود درصد المپیادی ها از کشور خارج میشوند»
- ۴- مصادیق جدید؛ نسل جوان جامعه
- ۵- آزمایش؛ چهار مورد بالا را درمورد حضرت یوسف آزمایش می کنیم اگر به دلالت التزامی او را دربر نگرفت پیام ذوقی است.

خلاصه

۱. مفاهیم سوره ها
۲. موضوعات
۳. اجمال و تفصیل
۴. مفردات قرآن
۵. مراتب
۶. الفاظ هم آوا
۷. اسم تفضیل ها
۸. ضرب المثلها
۹. مثلهای قرآنی
۱۰. تضاد و تقابل
۱۱. ربط آیات
۱۲. توصیفات
۱۳. تکرار ها
۱۴. شرط ها
۱۵. تشخیص ابعاد یک موضوع
۱۶. بیان جزء به جزء یک چیز
۱۷. مقایسه
۱۸. نمایش
۱۹. اعداد
۲۰. اشکال

- قسم ها،
- قواعد نحو، (تکرار در سیاق نفی و مفهوم جملات ...)
- گروه ها،
- معیت ،
- مجادلات ، معاملات ، مقولات. مناظرات
- (حدید / ۱۳، ۱۴ / بقره ۲۵۸)
- لطائف، (نساء / ۱۳۸ و ۱۳۶ و یوسف / ۱۰۶ و توبه / ۳ و دخان / ۴۹ و اعراف / ۴۰ و ...)
- سوالات و شبهات،
- مصداق یابی، (اف ان یاکله الذئب)
- و ...

نمونه های بیشتر

پند نمونه برای اربع مردم به آیات

قرآن توسط معصومین علیهم السلام

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ؛

⊙ عَجِبْتُ لِمَنْ فَرَعَ مِنْ أَرْبَعٍ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى أَرْبَعٍ

⊙ عَجِبْتُ لِمَنْ **خَافَ** كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ **حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ** فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ بِعَقِبِهَا **فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ** مِنَ اللَّهِ وَ **فَضْلٍ** لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ

⊙ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ **اِغْتَمَّ** كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا **فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ**

⊙ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ **مُكِرَ بِهِ** كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ وَ تَقَدَّسَ يَقُولُ بِعَقِبِهَا **فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا**

⊙ وَ عَجِبْتُ لِمَنْ **أَرَادَ الدُّنْيَا وَ زَيَّتَهَا** كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ أَسْمُهُ يَقُولُ بِعَقِبِهَا **إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ** وَ عَسَى مُوجِبُهُ

الخصال ج ١ ص : ٢١٨

مردی نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و گفت:

گناه بسیار کردم و صحیفه اعمال خود را سیاه نمودم، دعا فرما تا خدا مرا بیامرزد. حضرت فرمود: برو استغفار کن.

دیگری گفت: فقیر هستم و از بی چیزی بی طاقت شده‌ام، دعا فرما تا خدا انعامی فرماید. حضرت فرمود: برو استغفار کن.

سومی گفت: زراعت من از کمی آب خشک شده، دعا فرما تا خدا باران بفرستد. حضرت فرمود: برو استغفار کن.

چهارمی گفت: مال بسیار دارم و اولاد ندارم، دعا فرما خدا اولاد مرحمت نماید. فرمود: برو استغفار کن.

پنجمی گفت: باغ و بستان من کم میوه می دهد، دعا فرما تا خدا برکت فرماید. حضرت فرمود: برو استغفار کن.

ابن عباس گوید: من در خدمت حضرت بودم، گفتم: یا امیر المؤمنین سؤالات مختلفه نمودند و یک

جواب فرمودی؟ فرمود: آیا نشیدی فرمایش خدای تعالی:

اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَ

يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيجعل لكم أنهاراً *

قال الصادق عليه السلام؛

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كُنَّ عَلَيْهِ ؛ الْمَكْرُ وَ النَّكَثُ وَ الْبَغْيُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ

- وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ «فاطر/٤٣» - فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ

أَنَا دَمَرْنَاَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ «نمل/٥١»

- وَ قَالَ جَلَّ وَ عَزَّ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ «فتح/١٠»

- وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا «يونس/٢٣»

لَيْسَ لَكَ أَنْ تَقْعُدَ مَعَ مَنْ شِئْتَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ - وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ - حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ - فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِمَا شِئْتَ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ** وَلِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ - رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا - قَالَ خَيْرًا فَعَنِمَ أَوْ صَمَتَ فَسَلِمَ -

وَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَسْمَعَ مَا شِئْتَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - **إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا**

امام چهارم (ع)، فرمودند؛

توانی با هر که خواهی بشنینی زیرا خدا تبارک و تعالی میفرماید: «و چون دیدی آنان که درافتند در آیات ما از آنها رو گردان، تا در حدیث دیگری درافتند و اگر چنانچه شیطان فراموش کرد پس از یادآوری منشیین با مردم ستمکار. توانی هر چه خواهی بگوئی که خدا عز و جل فرمود: و دنبال مرو چیزی را که ندانی، و چون که رسول خدا (ص) فرمود: خدا رحمت کند بندهای را که خوب گفت و بهره برد، یا خموش ماند و سالم ماند، و توانی هر چه را خواهی بشنوی زیرا خدا عز و جل میفرماید (دنبال آیه پیش) راستی که گوش و چشم و دل همه مسئولیت دارند.

(x) قال النبي صلى الله عليه و آله: امتي على أربعة أصناف:

● **صنف يصلّون** ولكنهم في صلاتهم **ساهون** ، فكان لهم الويل، و الويل اسم دركة من دركات جهنم، قال الله تعالى: **فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ.**

● و **صنف يصلّون أحيانا** و لا يصلّون أحيانا، فكان لهم الغي، و الغي اسم دركة من دركات جهنم، قال الله تعالى: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا.**

● و **صنف لا يصلّون أبدا**، فكان لهم سقر و سقر، اسم دركة من دركات جهنم، قال الله تبارك و تعالى: **مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.**

● و **صنف يصلّون أبدا** و هم في صلاتهم خاشعون، قال الله تبارك و تعالى: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ.**

مردم و نماز

پاسداران نماز

(مؤمنون / ۹ - معارج / ۳۴)
(بقره / ۲۳۸ - انعام / ۹۲)

- ۱- مهمترین کار نماز (نور ۳۷ حج / ۴۱)
- ۲- همیشه و دائم در نماز (معارج / ۲۳)
- ۳- هم من هم دیگران (مریم ۵۵ لقمان ۱۷ توبه / ۷۱)
- ۴- اول نماز، بعد امور دیگر (نور / ۳۷ - جمعه / ۱۰)
- ۵- جهانی شدن نماز، دعا و آرزویشان (ابراهیم / ۴۰)
- ۶- آباد کنندگان مساجد و عاقبت به خیران (توبه / ۱۸)

ضایع کنندگان نماز

(مریم / ۵۹)

- ۱- نماز، مسخره ، بازیچه ، سنگین ترین کار ، همراه با کف و سوت وبا مستی (بقره / ۴۵ - مائده / ۵۸ - انفال / ۳۵ - نساء / ۴۳)
- ۲- نه نماز و نه امور مربوط به آن (قیامت / ۳۱)
- ۳- نه من و نه دیگران (بقره / ۱۱۴ - علق / ۹ و ۱۰)
- ۴- اگر بخوانند با کسالت و ریا (نساء / ۱۴۲ - توبه / ۵۴)
- ۵- اسیر شهوات و منکرات (مریم / ۵۹)
- ۶- پشیمانهای دنیا و آخرت (مدثر / ۴۳)

انواع سفر

۲- سیاحت؛

آیات دستوری؛ (۷ آیه)

آیات توبیخ و تخویف؛ (۷ آیه)

فطری بودن حجاب ؛ (اعراف / ۲۲ و طه / ۱۲۱)

حجاب

رفتار

نوع راه رفتن (نور / ۳۱ . قصص / ۲۵)

عدم خود آرائی (احزاب / ۳۳)

عدم قرار مخفیانه (بقره / ۲۳۵)

← آقایان (مائده / ۵)

← خانم ها (نساء / ۲۵)

عدم دوستی با نا محرم

← آقایان (نور / ۳۰)

← خانم ها (نور / ۳۱)

عدم چشم چرانی

در رو در رو شدن (احزاب / ۵۳)

گفتار

(احزاب / ۳۲)

پوشش

حد اکثری (چادر) (احزاب / ۵۹)

حد اقلی ؛ (نور / ۳۱)

استثناء شده ؛ (نور / ۶۰)

۱- به قیامت شک دارند : « ان کنتم فی ریب من البعث »

۲- به قیامت گمان دارند : « یظنون انهم ملاقوا الله »

۳- به قیامت یقین دارند : « و بالآخرة هم یوقنون »

۴- به آن ایمان دارند ولی فراموش می کنند : « نسوا یوم الحساب ».

۵- منکر قیامت هستند : « و کنا نکذب بیوم الدین »

قرآن کریم برای رفع شک استدلال کرده و از مومنین و گمان دارندگان (باتفاوت ها) ستایش کرده و از منکران خواسته است که دلیل و برهان بیاورند. و برای فراموش کنندگان تذکراتی داده است.

اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

تمرین؛

سلام، سعی، طُهر، وعظ، عزم، وُدّ، بَشْر، بُشری، رُئُوف، نُصح،
صدر، أكثر، أظلم، أحسن، أخسر، أجر، خشوع، برّ، هجر، قولاً،
قلب، شرّ، مكروکيد، سير، رجل، رزق، زين، دابّه، كلوا، ويل،
عفو، نکاح، عهد، غرر، غفل، سبق، مرض، شفاء، فحش،
شفاعت، لعب، لهو، جهد، جهل، جبل، ختم، نعمت، نجات،
حزن، حرام، حزب، هزء، لعن، ذنب، ركوع، درجه، إصبر،
خائن، كأنهم، تطيّر، طهر، مُتَكَيِّن، إِنَّكَ أَنْتَ، ياليتني و